

واکاوی نقش سیاست‌گذاری داده باز بر بهینه‌یابی سیاستی در نظام آموزش عالی ایران

جعفر امیری فرح‌آبادی^{۱*}، سعید سلیمانی^۲، محمود ابوالقاسمی^۳

۱. دکتری، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

۲. دکتری، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

۳. دانشیار، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۹/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۲/۲۷

چکیده

بنابر نظر اندیشمندان و صاحبان‌نظر آموزش عالی ایران بخش قابل توجهی از مسائل و معضلات این نظام به ناکارآمدی تصمیم‌ها و سیاست‌های این بخش و مبتنی نبودن آن بر شواهد علمی و تجربی بازمی‌گردد. سیاست‌گذاری داده باز به عنوان مفهومی جدید که استفاده از مشارکت عمومی و ظرفیت‌های توانمند در عرصه سیاست‌گذاری عمومی را مد نظر قرار می‌دهد، می‌تواند در زمینه پشتوانه‌سازی علمی و عقلایی در راستای بهینه‌یابی سیاستی در نظام آموزش عالی ایران مورد توجه قرار گیرد. پژوهش حاضر با رویکردی آمیخته، ابتدا سعی در شناسایی الزامات سیاست‌گذاری داده باز در نظام آموزش عالی ایران با رویکردی کیفی و سپس واکاوی نقش این مهم با استفاده از آزمون رگرسیون، در بهینه‌یابی سیاستی در نظام آموزش عالی ایران داشت. در بخش کیفی مصاحبه با ۹ نفر از خبرگان سیاست‌گذاری آموزش عالی ایران مد نظر قرار گرفت. در بخش کمی نیز جامعه پژوهش ۳۶۰ نفر بودند که با استفاده از فرمول کوکران ۱۸۶ نفر آن‌ها به عنوان نمونه انتخاب شدند. نتایج حاصل از اجرای رگرسیون نشان داد که الزامات فرهنگی-اجتماعی ۰/۳۰۴، الزامات مدیریتی، ۰/۲۷۳، الزامات سیاسی-حقوقی، ۰/۱۹۷ و الزامات فنی-تکنولوژیکی ۰/۱۵۲، از واریانس متغیر بهینه‌یابی سیاستی در نظام آموزش عالی ایران را تبیین نمودند.

کلیدواژگان: سیاست‌گذاری آموزش عالی، سیاست‌گذاری داده باز، بهینه‌یابی سیاستی.



۱- مقدمه

امروزه نقش آموزش عالی در توسعه همگون و پایدار هر کشوری بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته است. آموزش عالی ایران نیز از این قاعده مستثنی نبوده و در راستای تحقق اهداف و وظایف محوله و مورد انتظار باید سیاست‌ها و تصمیماتی مقتضی و مبتنی بر شواهد پژوهشی را برگزیند. اتخاذ این سیاست‌ها از مجرای مشارکت پتانسیل‌های توانمند امکان‌پذیر است که عموماً غیروابسته (از نظر سازمانی) به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری است. مشارکت این بخش در سیاست‌گذاری و تصمیم‌سازی آموزش عالی ایران در صورتی محقق خواهد شد که اطلاعات نظام‌مند در حوزه‌های مختلف آموزش عالی ایران به آسانی در دسترس قرار داشته باشد. به این جهت می‌توان مفروض داشت که وجود جریان اطلاعات به‌جا و به‌روز از حوزه‌های مختلف آموزش عالی ایران موجب گسترش بدیل‌های سیاستی بهینه و کارا (از منظر عقلانیت) خواهد شد و از این منظر توسعه پایدار کشور امکان بروز خواهد یافت.

۲- بیان مسئله

سیاست‌های عمومی^۱ به عنوان انتخاب‌ها و تصمیمات دولت در مواجهه با مسایل عمومی تعریف می‌شود [۱، ص ۲۱؛ ۲]؛ به عبارت دقیق‌تر این مفهوم به مجموعه‌ای از اقدامات به نسبت پایدار، ثابت و هدفمند دولت اطلاق می‌شود که به منظور حل مشکلات یا دغدغه‌های عمومی انجام می‌شود [۳، ص ۶]. سیاست‌های عمومی به لحاظ محتوا باید حائز خصایصی چون واقع‌بینی، پایداری، هدفمندی و انسجام درونی و بیرونی باشند [۴، ص ۱]. همچنان که گفته شد سیاست در معنای تصمیم نیز مورد نظر قرار گرفته است [۵، ص ۱۸] و از این منظر سیاست‌ها ابزاری در جهت آینده‌اندیشی و آینده‌پژوهی^۲ تلقی می‌شوند؛ همچنان که آینده‌نگاری^۳ فرایندی نظام‌مند و مشارکتی است که در آن استنباط‌های مختلف درباره آینده را گرد می‌آورند و از آن طریق چشم‌اندازی میان‌مدت و بلندمدت را با هدف اتخاذ تصمیم‌های روزآمد و مهیا کردن اقدام‌های مشترک پی می‌ریزند [۶، ص ۲]؛ بنابراین سیاست‌های عمومی نقشی بی‌بدیل در دستیابی به آینده‌های متصور برعهده دارند و راهنمایی جهت گزینش آینده مرجح^۴ و مطلوب است. به زعم کانوی آینده‌نگاری باید در نظام سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری تجلی یابد و نهادینه شود [۷، ص

۱۶-۱۲].

افزایش کیفیت سیاست‌گذاری عمومی برای پیشرفت علم و فناوری از برنامه‌های اصلی کشورهای مختلف است [۸، ص ۵۲]. موفقیت سیاست‌گذاری (عمومی) همواره بر پایه دو عنصر اساسی میانی ارزشی و شرایط و مقتضیات هر جامعه بنا شده است [۹، ص ۱۶۸]. به استناد پژوهش‌ها و آرای صاحبان‌نظر به نظر می‌رسد سیاست‌گذاری‌های صورت گرفته در حوزه آموزش عالی ایران در حوزه‌های مختلف که نیازمند سیاست‌گذاری عمومی است، چندان از عقلانیت و مقبولیت لازم برخوردار نبوده‌اند [رک: ۱۰-۱۲]. نتایج پژوهش‌های یادشده نشان از آن دارد که بسیاری از این سیاست‌ها و تصمیم‌های مصوب چندان کارآمد نبوده و نتوانسته‌اند منطق سیاست‌گذاری را توجیه کنند و به اهدافی دست یابند که طرفدارانش برای آن تعیین کرده‌اند [۱۳، ص ۵۶۴]. واکاوی حوزه سیاست‌گذاری نظام آموزش عالی ایران این مطلب را روشن می‌سازد که دست نیافتن به موفقیت در مرحله تدوین سیاست در این عرصه به مبتنی نبودن سیاست‌های مصوب بر پشتوانه‌های نظری و دانشی مرتبط است. در حقیقت بخش اعظم ناکارآمدی سیاست‌گذاری نظام آموزش عالی ایران در بی‌توجهی به فرایند سیاست‌پژوهی^۱ نهفته است [۱۴]. به این معنا که فرایندی که پیامد و دستاورد آن ارائه دانش مستند درباره یک مسئله و ارائه توصیه‌های عقلانی معطوف به عمل به منظور حل آن مسئله است [۱۵، ص ۲]. در حوزه سیاست‌گذاری نظام آموزش عالی ایران مغفول مانده است [۱۶، ص ۱۶]. یکی از موانع عمده که منجر به مغفول ماندن این مهم شده است، نداشتن مشارکت بخش‌های غیردولتی در فرایند سیاست‌گذاری این عرصه بوده است [۱۷، ص ۱۶۰]. در حقیقت می‌توان گفت مشارکت نظام‌مند و قانون‌مند سازمان‌های حرفه‌ای و پژوهشی مستقل و نهادهای متنی دانشگاهیان در سیاست‌گذاری آموزش عالی ایران مناقشه‌آمیز است [۱۲، ص ۳۲].

انحصار در حوزه سیاست‌گذاری آموزش عالی خود دلیلی بر بهره نبردن از ظرفیت بخش‌های غیروابسته و غیردولتی بوده است. در حقیقت اولین مرحله از مداخله در سیاست‌گذاری که شناخت و درک از مسئله سیاستی [۱۸، ص ۲۶؛ ۱۹، ص ۱۶] وابسته به وجود داده‌های مستند و ساختاریافته در حوزه مربوطه است؛ به علت انحصار اطلاعات و در بسیاری از مواقع حتی فقدان داده‌ها و اطلاعات ذی‌ربط به بخش‌های مختلف نظام آموزش عالی ایران و گاه نیز عدم انتشار

داده‌ها و اطلاعات موجود باعث عدم دسترسی پژوهش‌گران و نهادهای غیردولتی (و حتی دولتی) به این اطلاعات شده است.

مقدمه‌ای که بیان شد مبین آن است که حرکت در جهت سیاست‌گذاری داده باز حاکمیتی^۱ در نظام آموزش عالی ایران به منظور بهره‌جستن از تمام ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های سیاست‌گذاری در این حوزه الزام و پیش شرطی در راستای بهینه‌یابی سیاستی در نظام آموزش عالی ایران است. سیاست‌گذاری داده باز حاکمیتی یکی از رویکردهای جدید شکل گرفته در عرصه سیاست‌گذاری عمومی است. سیاست‌گذاری داده باز حاکمیتی مفهومی است که به دنبال بهره‌گیری از ظرفیت‌های مردمی (غیردولتی) در سیاست‌گذاری عمومی است [۲۰، ص ۵۵]. می‌توان گفت که باز بودن حکومت که برداشت از آن هم‌راستا با باز بودن سیاست‌گذاری و استفاده از ظرفیت‌های غیردولتی در تصمیم‌گیری‌های عمومی دولت است، به عنوان یکی از شاخص‌های حکمرانی خوب^۲ نیز مورد توجه قرار گرفته است [۲۱، ص ۱۱۸]. سیاست‌گذاری داده باز مجموعه اقداماتی است که دولت باید با رعایت محرمانگی دسترسی به داده‌ها و اطلاعات سیاستی را انجام دهد تا بدین وسیله نخبگان و متخصصان در امر سیاست‌گذاری مشارکت داشته باشند [۲۲]. تحقیقات بسیاری بر پتانسیل‌های داده باز از منظر خلق مزایای آن در سیاست‌گذاری صحه می‌گذارند [رک: ۲۳؛ ۲۴]. انتظار می‌رود در اثر گزینش رویکرد داده باز و هم‌هنگام، استفاده مجدد از داده‌ها طی این فرایند مواردی چون شفافیت، خلاقیت، رشد اقتصادی، تصمیمات غیررسمی و در نهایت سیاست‌گذاری بهبود و ارتقا یابد [رک: ۲۳؛ ۲۵؛ ۲۶]. داده باز از منظر افزایش مشارکت، تعامل، خود توانمندسازی و اجتماعی شدن شهروندان و سیاست‌گذاران نیز مورد توجه قرار گرفته است [۲۳؛ ۲۷].

در حال حاضر بسیاری از داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز در حوزه آموزش عالی ایران، اطلاعاتی مانند گزارش‌های تفصیلی مالی دانشگاه‌ها و بخش‌های مختلف مجموعه آموزش عالی ایران، شاخص‌های کمی و کیفی پژوهشی، آموزشی، نتایج و فرایندهای ارزیابی‌های سیاستی پیشین نظام آموزش عالی ایران و غیره، جهت استفاده پژوهش‌گران و نهادهای غیردولتی به آسانی در دسترس وجود ندارد. از سوی دیگر مادامی که رویکرد سیاست‌گذاری داده باز در نظام آموزش عالی ایران کاربست نداشته باشد نمی‌توان چندان به گام برداشتن در جهت بیشینه‌سازی

کیفیت سیاست‌گذاری در این عرصه خوش‌بین بود. در حقیقت زمانی بدیل‌های سیاستی بهینه در مجموعه آموزش عالی ایران برگزیده خواهد شد که از مشارکت بخش‌های مختلف شامل دولتی و غیردولتی و فردی و سازمانی بهره گرفته شود تا برآیند این تضارب آرا اتخاذ سیاست‌های بهینه در حوزه‌های مختلف نظام آموزش عالی ایران باشد. ویژگی‌های مختلفی را می‌توان در مورد سیاست بهینه متصور بود که عموم این ویژگی‌ها را می‌توان ذیل مبحث عقلانیت^۱ در سیاست‌گذاری عمومی قرار داد [۲۸، ص ۲۲-۲۵]. عقلانیت عدم اطمینان^۲ را کاهش می‌دهد. رعایت نکردن عقلانیت در تدوین سیاست به اجرای ناموفق سیاست منجر می‌شود [۲۹، ص ۷۹].

در این مبحث منظور عقلانیت محدود^۳ و نه مطلق^۴ است. عقلانیت مطلق به علت نادیده گرفتن پیچیدگی‌های محیطی و عدم اطمینان‌ها مجال ظهور نمی‌یابد [۲، ص ۴۷] و هیچ نظریه جهان‌نگری قادر نیست مدعی شناخت کل واقعیت باشد. صاحبان‌نظر ابعاد مختلفی از عقلانیت را مطرح نموده‌اند. اسنلن چهار نوع عقلانیت را با عناوین عقلانیت اقتصادی^۵، عقلانیت حرفه‌ای^۶، عقلانیت سیاسی^۷ و عقلانیت قانونی^۸ معرفی می‌کند [۳۰، صص ۳۲۹-۳۲۷]. پال انواع عقلانیت مربوط به تحلیل سیاست را به چهار دسته عقلانیت‌های قانونی، تجربی^۹، هنجاری^{۱۰} و منطقی^{۱۱} تقسیم کرده است [۳۱].

عقلانیت قانونی به تحلیل به دست آمده در تدوین و اجرای سیاست با توجه به سازگاری با قوانین و فرامین بالادستی اشاره دارد؛ عقلانیت تجربی تحلیل سیاست را از نقطه نظر پیامدها و هزینه‌ها، منافع سیاست و توجه به تجربیات عملی کسب شده مورد توجه قرار می‌دهد. عقلانیت هنجاری به ارزش‌های موجود یا مطلوب جامعه در امر تدوین و تحلیل سیاست اشاره دارد و در نهایت عقلانیت منطقی به سازگاری و هم‌افزایی سیاست‌های جاری با یکدیگر و عدم تناقض آن‌ها با هم اشاره می‌کند [۳۱]. در مقاله حاضر با توجه به چهارچوب نظری هم‌خوان‌تر نظریه عقلانیت سیاستی پال با حوزه نظری پژوهش حاضر، ارائه آن به طور خاص برای سیاست‌گذاری عمومی، جامعیت و در نظرگیری بعدی از عقلانیت تحت عنوان عقلانیت هنجاری که مباحث ارزشی که وبر برای آن اهمیت زیادی قائل بوده است (در سایر مدل‌ها مغفول مانده است)، این نظریه به عنوان مبنای تعریف سیاست بهینه مد نظر قرار گرفته است.

با توجه به مباحث مطرح شده، این پژوهش در پی شناسایی الزامات تحقق سیاست‌گذاری باز

در نظام آموزش عالی ایران و بررسی نقش این الزامات در بهینه‌یابی سیاستی در نظام آموزش عالی ایران است.

۳-پیشینه پژوهش

با توجه به این‌که موضوع پژوهش حاضر (سیاست‌گذاری داده باز)، موضوع جدیدی است که به تازگی مورد توجه پژوهش‌گران قرار گرفته است، پژوهش‌های چندانی در این زمینه انجام نگرفته است و محدود تحقیقات صورت گرفته، به واکاوی این مسئله در حوزه سیاست‌گذاری عمومی، به طور کل، پرداخته‌اند. هیچ پژوهشی با محوریت سیاست‌گذاری داده باز در نظام آموزش عالی و دانشگاه صورت نپذیرفته است. شناسایی چالش‌ها و نقاط ضعف و قوت در بیشتر پژوهش‌های صورت گرفته مورد توجه بوده که نمونه‌هایی از این پژوهش‌ها در جدول ۱ ارائه شده است. در بحث عقلانیت که در پژوهش حاضر مترادف با ویژگی‌های سیاست بهینه در نظام آموزش عالی ایران گرفته شده پژوهش‌های چندی صورت پذیرفته است که به دلیل استفاده از پژوهش بابایی و توکلی (۱۳۹۶) به منظور شناسایی چارچوب عقلانیت در پژوهش حاضر به بیان آن در جدول ۱ بسنده شده است. بابایی و توکلی در پژوهش خود به منظور کاهش احتمال شکست سیاست‌ها تلاش کرده‌اند که عقلانیت‌های پایه‌ای که باید در سیاست‌گذاری مد نظر قرار گیرند با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی شناسایی کنند. عقلانیت‌های یادشده در چهار دسته عقلانیت‌های قانونی، تجربی، هنجاری و منطقی برای هر یک از مراحل اصلی سیاست‌گذاری یعنی تعریف مسئله، تدوین سیاست، اجرا، ارزیابی پسین و خاتمه احصا شدند. نتایج تحلیل حاکی از آن بوده که بی‌توجهی به این عقلانیت‌ها علت اصلی شکست فرایند سیاست‌گذاری در جامعه مورد پژوهش (یکی از وزارتخانه‌ها) بوده است.

همان‌گونه که از پژوهش‌های ارائه شده در جدول ۱ مشخص است، عموم پژوهش‌های صورت پذیرفته در حوه سیاست‌گذاری داده باز در راستای توجه به چالش‌ها و موانع پیش‌روی این مهم بوده است؛ بنابراین پژوهش حاضر با مطالعه پیشینه موجود، شناسایی الزامات تحقق سیاست‌گذاری داده باز را در مرحله نخست مد نظر قرار داده است.

جدول ۱ پیشینه پژوهش

پژوهش‌گر	عنوان پژوهش	یافته‌های پژوهشی	روش پژوهش
شایدرویک و جانسون [۲۰۱۴] [۳۲]	سیاست‌های داده باز، اجرا و پیامدهای آن، ارائه چارچوبی برای مقایسه	چارچوبی را به منظور ارزیابی سیاست‌های کشورهای مختلف در زمینه داده باز، در سطح ملی و استراتژیک تدوین نمودند.	آمیخته
شایدرویک و دیگران [۲۰۱۴] [۳۲]	طراحی اصولی برای بهبود فرایند انتشار داده‌های باز	چارچوبی را به منظور بهبود فرایند انتشار داده‌های باز در نهادهای عمومی با تأکید بر پنج اصل تهیه دستورالعمل‌ها در مورد رعایت حریم خصوصی، یکپارچه‌سازی طرف‌های درگیر در باز کردن داده‌ها، تعریف باز کردن داده‌ها و ... ارائه نمود.	کیفی
الجمیلی [۲۰۱۶] [۳۸]	چالش‌های برجسته در طرح‌های داده باز حاکمیتی	چهار چالش اساسی را با تأکید بر کاهش فاصله خط‌مشی‌های در حال اجرا و فضای عملیاتی واقعی و ارائه راهنمایی در زمینه‌های سیاست‌گذاری، پیاده‌سازی فنی، کیفیت داده و ... را مورد تأکید قرار داده است.	کیفی
تسلیمی و دیگران، [۱۳۹۶] [۲۰]	شناسایی و اولویت‌بندی چالش تحقق سیاست‌گذاری حاکمیتی باز در ایران: کاربست روش تحلیل سلسله مراتبی و تاپسیس فازی	شناسایی و دسته‌بندی چالش‌های داده باز در قالب ۷ بعد: چالش‌های عملیاتی و فرایندی، چالش‌های سیاسی، چالش‌های حقوقی، چالش‌های فرهنگی و اجتماعی، چالش‌های نهادی و چالش‌های فنی.	آمیخته
بابایی و توکلی، [۱۳۹۶] [۳۴]	احصا عقلانیت‌های پایه در فرایند سیاست‌گذاری عمومی	با محوریت قرار دادن نظریه عقلانیت پال که عقلانیت را در سیاست‌گذاری در چهار بعد: هنجاری، تجربی، منطقی و قانونی در نظر گرفته به بررسی این عقلانیت‌ها در فرایند سیاست‌گذاری عمومی پرداخته است، از این رهگذر به شناسایی ۳۸ مورد به تفکیک مراحل چهارگانه سیاست‌گذاری عمومی دست یافته است.	آمیخته

۴- اهداف پژوهش

هدف اصلی پژوهش

واکاوی نقش سیاست‌گذاری داده باز بر بهینه‌یابی سیاستی نظام آموزش عالی ایران.

اهداف جزئی پژوهش

شناسایی ابعاد سیاست‌گذاری داده باز در نظام آموزش عالی ایران.

واکاوی نقش سیاست‌گذاری داده باز (بعد مدیریتی) بر بهینه‌یابی سیاستی نظام آموزش عالی ایران.

واکاوی نقش سیاست‌گذاری داده باز (بعد فنی- تکنولوژیکی) بر بهینه‌یابی سیاستی نظام آموزش عالی ایران.

واکاوی نقش سیاست‌گذاری داده باز (بعد سیاسی- قانونی) بر بهینه‌یابی سیاستی نظام آموزش عالی ایران.

واکاوی نقش سیاست‌گذاری داده باز (بعد فرهنگی- اجتماعی) بر بهینه‌یابی سیاستی نظام آموزش عالی ایران.

۵- روش پژوهش

هدف اصلی این پژوهش واکاوی نقش سیاست‌گذاری داده باز بر بهینه‌یابی سیاستی نظام آموزش عالی ایران بود. پژوهش حاضر از حیث هدف کاربردی و توسعه‌ای به شمار می‌رود. برای دستیابی به هدف پژوهش روش ترکیبی اکتشافی^۱، طرح تدوین ابزار^۲ به عنوان راهبرد پژوهش مد نظر قرار گرفت. در گام نخست به منظور واکاوی مفهوم سیاست‌گذاری داده باز و شناسایی ابعاد آن، ابتدا به مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای پرداخته شد. در گام بعد (با محوریت قرار دادن مطالعات صورت گرفته) مصاحبه‌های عمیق و نیمه‌ساختارمند با خبرگان، صاحبان‌نظر، سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیران آموزش عالی که طی فرایندی هدفمند^۳ و همچنین رویکرد گلوله برفی^۴ به منظور مشارکت در پژوهش انتخاب شده بودند، طراحی و اجرا شد. این فرایند تا رسیدن به مرحله اشباع نظری^۵ ادامه یافت. تحلیل محتوا بعد از انجام هر مصاحبه صورت می‌پذیرفت و از

این رهگذر نکات جدیدی مورد توجه قرار می‌گرفت که در مصاحبه‌های بعدی لحاظ می‌گردید. با توجه به این‌که دغدغه نسبت به روایی و پایایی در همه شیوه‌های پژوهش مورد توجه جدی است و بدون این موارد دقت علمی پژوهش مطلوبیت خود را از دست می‌دهد. در پژوهش حاضر نیز در این مرحله به منظور روایی پژوهش که به معنای دقیق بودن یافته‌ها از دیدگاه پژوهشگر، مشارکت‌کنندگان و خوانندگان پژوهش است، مواردی چون تطبیق توسط اعضا^۱ و بررسی همکار^۲ مد نظر قرار گرفت. با این شیوه ۹ مصاحبه صورت پذیرفت که زمان آن‌ها با توجه به ملاک‌هایی چون اطلاعات مشارکت‌کننده، علاقه و غیره بین ۴۵ تا ۹۵ دقیقه متغیر بود. پس از احصا الزامات سیاست‌گذاری داده باز در نظام آموزش عالی ایران، گام بعدی شناسایی ویژگی‌های سیاست بهینه بود. به این منظور پس از مطالعات نظری در این حوزه، مسئله عقلانیت مورد توجه قرار گرفت و همان‌طور که در مقدمه پژوهش بیان شد، عموم ویژگی‌های لازم برای سیاست (عمومی) بهینه می‌تواند ذیل مفهوم عقلانیت و ابعاد مختلف آن گنجانده شود، بنابراین پس از مذاقه پیشینه از یافته‌های پژوهشی تحت عنوان احصا عقلانیت‌های پایه در فرایند سیاست‌گذاری عمومی (بابایی و توکلی، ۱۳۹۵)، استفاده شد. روشن است به منظور افزایش روایی، عوامل شناسایی شده در این پژوهش با ویژگی‌های زمینه‌ای نظام آموزش عالی ایران آرای چهار نفر از پژوهش‌گران و متخصصان آموزش عالی مورد توجه قرار گرفت و پس از جرح و تعدیل صورت گرفته، ابزاری براساس آن ساخته شد. در این راستا هر یک از موارد مطرح شده در خصوص انواع عقلانیت‌های چهارگانه در مراحل مختلف سیاست‌گذاری به گویه‌های پرسش‌نامه تبدیل شد. در مجموع پرسش‌نامه پژوهش حاضر در ۳۸ گویه (طیف پنج درجه‌ای لیکرت از خیلی زیاد تا خیلی کم) و به تفکیک ابعاد چهارگانه با محوریت قرار دادن یافته‌های جدول ۲ تدوین گردید که میزان توجه به هر یک از موارد عقلانیت‌های چهارگانه را در سیاست‌گذاری کنونی نظام آموزش عالی ایران مورد سنجش قرار می‌داد. یافته‌های پژوهش یادشده به تفکیک مراحل سیاست‌گذاری در جدول ۲ ارائه شده است.

در مرحله کمی پژوهش به منظور واکاوی نقش هر یک از ابعاد چهارگانه سیاست‌گذاری داده باز (برآمده از مرحله کیفی پژوهش) در بهینه‌یابی سیاستی در نظام آموزش عالی ایران به توزیع پرسش‌نامه‌های یادشده در سطح جامعه پرداخته شد. ابتدا آلفای کرونباخ^۳ به منظور بررسی

پایایی برای ابزارهای پژوهش در این بخش محاسبه گردید که مقدار آن به ترتیب برای پرسش‌نامه‌های سیاست‌گذاری داده باز و عقلانیت برابر با ۰/۸۴۶ و ۰/۸۱۸ به دست آمد. نرخ بازگشت پرسش‌نامه‌ها در این مرحله ۰/۸۸ بود. در ادامه به منظور تجزیه و تحلیل آماری داده‌ها، پس از اطمینان از نرمال بودن توزیع داده‌ها از طریق آزمون کولموگروف-اسمیرنوف^۱ از آزمون‌های پارامتریک همبستگی پیرسون^۲ و رگرسیون هم‌زمان^۳ استفاده شد. در شکل‌های ۱ و ۲ چارچوب مفهومی و روش پژوهش ارائه شده است.

جدول ۲ انواع عقلانیت در مراحل چهارگانه سیاست‌گذاری

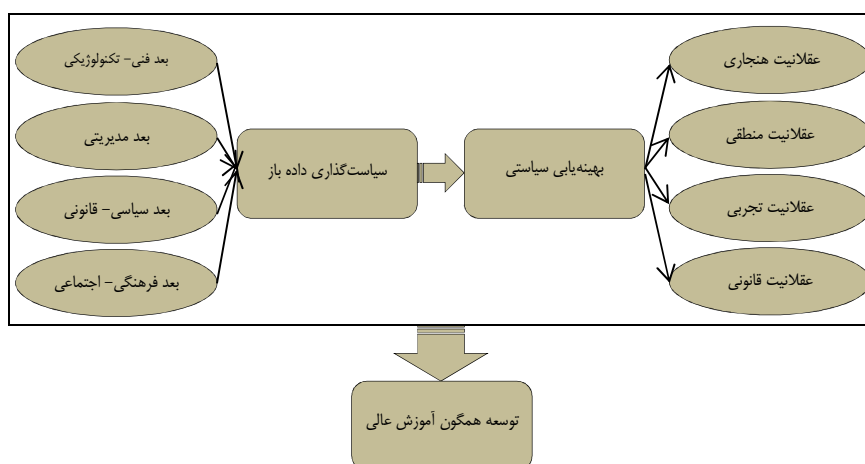
انتخاب مسئله	تدوین و ارزیابی پیشین	اجرا و ارزیابی حین اجرا	ارزیابی پسین و خاتمه
✓بررسی حوزه اختیارات لایه حاکمیت برای برخورد با مسئله از منظر قوانین بالادستی	✓توجه به تناسب و سازگاری و هم‌افزا بودن سیاست با قوانین و فرامین بالادستی خارج سازمان و پایین بودن کمیت ناسازگاری ✓تلاش برای هم‌راستا کردن قوانین بالادستی به منظور وضع سیاست‌های بهینه	✓درک و تحلیل درست قوانین بالادستی و یافتن راهکارهای قانونی جهت پیاده‌سازی سیاست‌ها	✓ارزیابی نتایج سیاست با توجه به این‌که سازگاری یا ناسازگاری آن با الزامات قانونی بالادستی موجب چه نتایجی شده است

ادامه جدول ۲

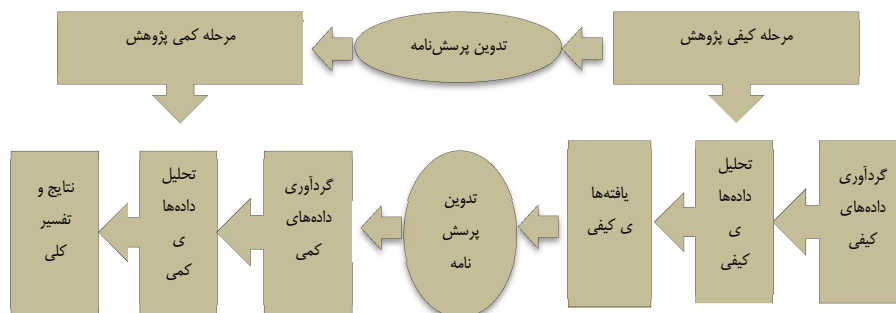
انتخاب مسئله	تدوین و ارزیابی پیشین	اجرا و ارزیابی حین اجرا	ارزیابی پسین و خاتمه
توجه به علل ریشه‌ای مسائل (توجه به نقاط اهرمی برای کاهش هزینه‌های توجه به سطح و کسب اثرات دلخواه)	✓ تدوین روشن‌بینانه اهداف (به منظور استفاده در ارزیابی پسین از منظر منافع و آثار حاصله) ✓ وجود یا امکان فراهم کردن زیرساخت‌های لازم برای یک سیاست (پیاپی‌سازی در عمل) ✓ قابلیت شاخص سیاست و عدم کلی‌گویی آن (برای ارزیابی هزینه‌ها و منافع) ✓ استفاده از تجربه سایر کشورها و سازمان‌ها در راستای مسئله ✓ انتخاب سیاست مبتنی بر ارزیابی پیشین با در نظر گرفتن معیارهای کمی و کیفی در دوره عمر سیاست ✓ حصول اطمینان از تطبیق سیاست در حال تدوین با عقلانیت‌های پایه در آن حوزه (از نظر صرفه‌جویی در هزینه‌ها و استفاده از تجارب پیشین) ✓ داشتن نگاه بلند مدت در ارزیابی هزینه‌ها و منافع	✓ پایش به موقع شاخص‌ها و ارزیابی حین اجرا جهت بررسی اجرای درست سیاست و انجام اقدام لازم (توجه به واقعیت اجرا و کاهش هزینه‌ها) ✓ فراهم نمودن به موقع زیرساخت‌های اجرا برای مجریان سیاست ✓ تقویت عوامل رشد و ار میان بردن موانع رشد (عدم تناقض عوامل اجرایی) ✓ زمان‌بندی اجرای سیاست و رعایت تناسب زمانی و انتظارات محقق شده (واقعیت اجرا)	✓ در نظر گرفتن خروجی‌ها و پیامدهای کمی و کیفی، خواسته و ناخواسته در تمام دوره عمر سیاست در ارزیابی پسین ✓ بررسی میزان تحقق اهداف اولیه سیاست
انتخاب مسئله با بیشترین تأثیرگذاری (گستره و عمق تأثیرگذاری بر جامعه)	✓ تدوین سیاست‌های متفاوت با توجه به اقتضائات گروه‌های مختلف ✓ غلبه نگاه فراهشی بر نگاه بخشی ✓ تصمیم‌گیری مبتنی بر آگاهی کامل از سیاست‌های دوران گذشته به دور از غرض‌های سیاسی (زیرا تغییر زود هنگام سیاست‌ها به دلیل عوض شدن وزیر، با ارزش‌های هیچ جامعه‌ای هم‌راستا نیست) ✓ ایجاد فضایی جهت مطالبه پاسخ‌گویی از سیاست‌گذار ✓ شناسایی کامل ذی‌نفعان و توجه به مدیریت منافع متقابل آنان ✓ هوشمندی در خصوص تمایلات منفعت‌طلبانه سازمان‌های زیرمجموعه (که با ارزش‌های مطلوب جامعه سازگار نیست) ✓ حفظ تعادل‌های اصلی از منظر مدیریت در سطح کلان وزارت به منظور عدم ایجاد نارضایتی در زیر مجموعه	✓ ایجاد هم‌فهمی و توافق میان مجریان سیاست و لایه حاکمیت (وفاق همگان در خصوص سیاست، یک هنجار و ارزش مهم است) ✓ تفویض اختیار به مدیران سطح پایین جهت اجرای سیاست به روش منطقی و معقول ✓ پایین بودن میزان استثنائات و تبصره‌ها و سیاست	✓ پایبندی و اصرار به استفاده از داده‌های واقعی در ارزیابی پسین (هوشمندی در خصوص عدم استفاده از داده‌های ساختگی، زیرا این امر با ارزش‌های مطلوب جامعه در تضاد است)

ادامه جدول ۲

انتخاب مسئله	تدوین و ارزیابی پیشین	اجرا و ارزیابی حین اجرا	ارزیابی پسین و خاتمه
✓ بررسی مسئله از نظر این که چه میزان نتیجه ناسازگاری سیاست های جاری کنونی است.	✓ توجه به سازگاری و هم افزایی درونی سیاست با سایر سیاست های مربوط به حوزه خود ✓ توجه به سازگاری و هم افزایی عمودی سیاست با اهداف کلان بالادستی و فلسفه وجودی و نقاط مرجع استراتژیک سازمان ✓ توجه به سازگاری و هم افزایی افقی سیاست با سیاست های سایر حوزه ها	✓ توجه به قوانین و سیاست های موازی در حال وضع که ممکن است موجب رشد یا زوال سیاست شوند.	✓ ارزیابی نتایج سیاست با سازگاری یا ناسازگاری سیاست با سایر سیاست های جاری موجب چه نتایجی شده است.



شکل ۱ چارچوب مفهومی پژوهش



شکل ۲ خلاصه مراحل انجام پژوهش

۶-جامعه و نمونه پژوهش

در بخش کیفی پژوهش انتخاب نمونه به منظور به دست آوردن بیشترین اطلاعات در حوزه سیاست‌گذاری داده باز کاملاً هدفمند بوده است. به این ترتیب ۹ نفر از کسانی که به واسطه تألیفات، رشته و زمینه تحصیلی و کاری بیشترین اطلاعات را در زمینه سیاست‌گذاری آموزش عالی داشتند، انتخاب و مصاحبه‌های عمیق با ایشان صورت گرفت. در این مرحله از تکنیک گلوله برفی نیز برای انتخاب مشارکت‌کنندگان استفاده شد. جامعه پژوهش در بخش کمی متشکل از کارکنان حوزه ستادی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، مراکز و مؤسسات مرتبط با سیاست‌گذاری آموزش عالی ایران (شورای عالی انقلاب فرهنگی، مرکز پژوهش‌های مجلس، مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی) و صاحبان‌نظر این حوزه بودند.^۱ حجم جامعه با احتساب موارد یادشده ۳۶۰ نفر بوده که با استفاده از فرمول کوکران تعداد نمونه ۱۸۶ نفر به دست آمد. روش نمونه‌گیری در این مرحله تصادفی ساده بوده است.

۷-یافته‌های پژوهش

با توجه به این که اولین گام در جهت دستیابی به هدف اصلی پژوهش واکاوی مفهوم سیاست‌گذاری داده باز بود، مصاحبه‌های نیمه ساختارمند با خبرگان، صاحبان‌نظر و سیاست‌گذاران آموزش عالی ایران ترتیب داده شد. تحلیل محتوای پس از انجام هر مصاحبه

صورت می‌پذیرفت و گزاره‌های معنادار و مفهومی شناسایی و کدگذاری می‌شدند. با این رویکرد الزامات سیاست‌گذاری داده باز در نظام آموزش عالی ایران شناسایی گردید. در ادامه به منظور ساختاربندی موارد شناسایی شده، با توجه به مطالعات صورت گرفته در زمینه موضوع پژوهش و پیشینه آن و هم‌نگام نظرخواهی از صاحبان‌نظر و مشارکت‌کنندگان پژوهش (با استفاده از تکنیک دلفی^۱)، طبقه‌بندی الزامات، صورت پذیرفت که جدول ۳ حاصل این مرحله از پژوهش حاضر است. براساس یافته‌های این بخش از پژوهش ابزاری ۳۷ گویه‌ای ساخته شد و همان‌طور که پیشتر بیان شد به منظور شناسایی ویژگی‌های سیاست بهینه در آموزش عالی ایران نیز موارد اشاره شده در پژوهش بابایی و توکلی (۱۳۹۶) مد نظر قرار گرفت^۲ و براساس آن ابزاری ۳۸ گویه‌ای ساخته شد. این دو پرسش‌نامه به منظور دستیابی به هدف اصلی پژوهش که واکاوی نقش سیاست‌گذاری داده باز در بهینه‌یابی سیاستی در نظام آموزش عالی ایران بود در سطح جامعه توزیع و جمع‌آوری شد. تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از اجرای این پرسش‌نامه با نرم افزار اسپس‌اس صورت گرفت و در راستای اهداف پژوهش از آزمون‌های کلموگروف-اسمیرنوف همبستگی پیرسون و رگرسیون هم‌زمان بهره برده شد. نتایج اجرای این آزمون‌ها در جدول‌های ۴-۶ گزارش شده است.

جدول ۳ ابعاد سیاست‌گذاری داده باز (شناسایی شده در مرحله کیفی پژوهش)

الزامات	مؤلفه‌ها	فراوانی
توسعه و بهبود	نظارت بر جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات	۲۱
	نظارت بر کیفیت داده‌ها و اطلاعات	۱۹
	نظارت بر روند انتشار داده‌ها و اطلاعات	۱۷
	کاربست سیاست‌های حمایتی و تشویقی	۱۵
	گزینش سبک‌های رهبری مشارکتی	۱۵
	توسعه برنامه‌های زمان‌بندی به منظور روزآمدی انتشار	۱۴
	طبقه‌بندی داده‌ها و اطلاعات به لحاظ محرمانگی و قابلیت انتشار	۱۳
	ترویج سازوکارهای ارزیابی و تحلیل سیاستی به منظور واکاوی اثربخشی سیاست‌ها	۹
	توسعه روابط برون سازمانی	۸

ادامه جدول ۳

الزامات	مؤلفه‌ها	فراوانی
	ثبات مدیریتی در سطوح مختلف سازمانی	۸
	شناسایی جریان‌های تصمیم‌ساز برون سازمانی و غیردولتی ذی‌علاقه به سیاست‌گذاری	۷
	ارزیابی و پایش مداوم سیستم‌های اطلاعاتی	۷
	توجه به فرایند سیاست‌پژوهی	۶
	تناسب فرایندهای ارزیابی عملکرد با اثربخشی سیاستی	۳
الزامات فنی و تکنولوژیکی	توسعه زیرساخت‌های فناوری سازمانی	۱۸
	ایجاد و نگهداری سیستم‌های اطلاعاتی و آماری	۱۶
	تناسبات ساختاری سازمانی	۱۱
	فراهم آوردن امکان تعامل	۱۰
	حیطه بندی سطوح دسترسی	۷
الزامات فرهنگی و اجتماعی	مطالبه‌گری عمومی	۱۶
	باور به مؤلفه‌های مردم سالاری	۱۵
	باور به کثرت‌گرایی	۱۴
	ارتقا رویکردهای نظارتی	۱۴
	توسعه تفکر هزینه و فایده در سیاست‌گذاری	۱۳
	توسعه فرهنگ تصمیم‌گیری مبتنی بر شواهد	۱۱
	توسعه فرهنگ تصمیم‌گیری مشارکتی	۱۱
	ارتقا فرهنگ تسهیم دانش	۷
	فرهنگ پژوهشی مسئله‌محور	۵
	توسعه فرهنگ خودارزیابی درون‌زا	۴
الزامات سیاسی- قانونی	توسعه فرهنگ گزینش سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیران بر مبنای شایستگی	۳
	انسجام عمودی و افقی سیاست‌ها و قوانین	۱۳
	توسعه قوانین به منظور انتشار داده‌ها و اطلاعات ذیل قانون دسترسی آزاد	۱۲
	کاهش تمرکز در سیاست‌گذاری	۱۲
	توسعه قوانین تسهیل‌کننده شفافیت اطلاعاتی	۱۱
	تدوین استانداردهای لازم جهت انتشار داده‌ها و اطلاعات	۷
	مشخص نمودن حدود و اختیارات در ارائه داده‌ها و اطلاعات	۵
	کاهش حساسیت به انتشار داده‌ها و اطلاعات	۳

جدول ۴ همبستگی الزامات سیاست‌گذاری داده باز در نظام آموزش عالی ایران را با ابعاد عقلانیت (ویژگی‌های سیاست بهینه در نظام آموزش عالی ایران) به تفکیک نشان می‌دهد. بیشترین و کمترین ضرایب همبستگی در این بخش به ترتیب مربوط به الزامات فرهنگی-اجتماعی (۰/۶۴۹) و سیاسی-حقوقی (۰/۴۹۱) است.

جدول ۴ همبستگی بین الزامات سیاست‌گذاری داده باز و ابعاد عقلانیت

ابعاد الزامات	عقلانیت قانونی		عقلانیت تجربی		عقلانیت هنجاری		عقلانیت منطقی		عقلانیت	
	همبستگی	Sig	همبستگی	Sig	همبستگی	Sig	همبستگی	Sig	همبستگی	Sig
مدیریتی	۰/۵۹۱	۰/۰۰۰	۰/۵۴۹	۰/۰۰۰	۰/۳۵۲	۰/۰۰۰	۰/۳۶۰	۰/۰۰۰	۰/۵۵۶	۰/۰۰۰
فنی-تکنولوژیکی	۰/۶۷۳	۰/۰۰۰	۰/۵۴۵	۰/۰۰۰	۰/۳۹۹	۰/۰۰۰	۰/۱۶۹	۰/۰۲۰	۰/۵۵۴	۰/۰۰۰
فرهنگی-اجتماعی	۰/۴۶۲	۰/۰۰۰	۰/۶۳۶	۰/۰۰۰	۰/۵۶۸	۰/۰۰۰	۰/۲۸۰	۰/۰۰۰	۰/۶۴۹	۰/۰۰۰
سیاسی-حقوقی	۰/۳۰۰	۰/۰۰۰	۰/۴۷۰	۰/۰۰۰	۰/۴۱۳	۰/۰۰۰	۰/۳۲۲	۰/۰۰۰	۰/۴۹۱	۰/۰۰۰

جدول ۵ خلاصه آماره‌های مربوط به برازش مدل^۱ را نشان می‌دهد. همان‌طور که مشخص است R نشان دهنده میزان همبستگی بین متغیر ملاک (سیاست‌گذاری داده باز در نظام آموزش عالی ایران) و متغیر پیش‌بین (بهینه‌یابی سیاستی در نظام آموزش عالی ایران) مقدار ۰/۷۲۴ محاسبه شده است. همچنین R^2 محاسبه شده نیز که مجذور ضریب همبستگی یا همان ضریب تعیین ۰/۵۲۴ به دست آمده است که پس از تعدیل آن (به منظور انعکاس بیشتر میزان نکویی برازش مدل) ۰/۵۲۱ گزارش شده است.^۲

جدول ۵ آماره‌های برازش مدل پژوهش

مدل پژوهش	همبستگی (R)	مجذور همبستگی (R^2)	(R^2) تعدیل شده	برآورد خطای انحراف استاندارد
	۰/۷۲۴	۰/۵۲۴	۰/۵۲۱	۰/۴۳۳۰۲

جدول ۶ مربوط به ضرایب تأثیر رگرسیون است و به بررسی میزان تأثیر هر یک از الزامات سیاست‌گذاری داده باز در نظام آموزش عالی ایران بر عقلانیت (بهینه‌یابی سیاستی در نظام آموزش عالی ایران) می‌پردازد. دو دسته ضرایب تأثیر رگرسیون ضرایب تأثیر رگرسیون استاندارد نشده^۱ (B) و ضرایب تأثیر رگرسیونی استاندارد شده^۲ یا بتا^۳ در جدول یادشده نشان داده شده است. به علت مقایسه بهتر سهم هر یک از متغیرها در تبیین تغییرات متغیر ملاک (بهینه‌یابی سیاستی در نظام آموزش عالی ایران) از ضرایب بتا استفاده می‌شود. هر چه ضریب بتای یک متغیر بیشتر باشد، نقش آن در پیش‌بینی تغییرات متغیر ملاک بیشتر است. همان‌طور که از اطلاعات جدول ۷ برمی‌آید بیشترین و کمترین تأثیر مربوط به الزامات فرهنگی-اجتماعی و فنی-تکنولوژیکی سیاست‌گذاری داده باز در نظام آموزش عالی ایران است، همچنین تأثیر تمامی الزامات در سطح ۰/۰۱ معنادار بوده و فقط الزامات فنی-تکنولوژیکی در سطح ۰/۰۵ معنادار گزارش شده است.

جدول ۶ ضرایب تأثیر رگرسیون

Sig	t	ضرایب استاندارد شده بتا	ضرایب استاندارد نشده		مدل پژوهش
			خطای انحراف استاندارد	B	
۰/۰۰۰	۴/۲۶۴	۰/۲۷۳	۰/۰۴۹	۰/۲۰۷	الزامات مدیریتی
۰/۰۰۰	۲/۰۷۵	۰/۱۵۲	۰/۰۵۰	۰/۱۰۵	الزامات فنی-تکنولوژیکی
۰/۰۳۹	۳/۷۲۶	۰/۳۰۴	۰/۰۵۷	۰/۲۱۳	الزامات فرهنگی-اجتماعی
۰/۰۰۳	۲/۹۹۵	۰/۱۹۷	۰/۰۶۴	۰/۱۹۱	الزامات سیاسی-حقوقی

۸-تفسیر و نتیجه‌گیری

هدف اصلی این پژوهش واکاوی نقش سیاست‌گذاری داده باز در بهینه‌یابی سیاستی در نظام آموزش عالی ایران بود. با توجه به یافته‌های پژوهش سیاست‌گذاری داده باز به عنوان متغیر پیش‌بین این پژوهش قادر به تبیین ۰/۵۲۱ از واریانس و تغییرات متغیر وابسته که بهینه‌یابی سیاستی در نظام آموزش عالی ایران است. میزان ضریب تعیین گزارش شده خود گویای این

مطلب است که بهینه‌یابی سیاستی در نظام آموزش عالی ایران که در پژوهش حاضر ذیل مفهوم عقلانیت قرار گرفت، وابسته به مشارکت عمومی (مشروط بر دسترسی آزاد به اطلاعات نظام‌مند آموزش عالی) در قالب نهادها، مؤسسات، مراکز و بالاخص اعضای هیأت علمی به عنوان نمود اصلی قشر ذی‌علاقه، ذی‌نفع و توانمند در سیاست‌گذاری نظام آموزش عالی ایران است. اگر توسعه همگون آموزش عالی نتیجه اتخاذ تصمیم‌ها و سیاست‌های نوآورانه، به‌جا و مبتنی‌بر شواهد در نظر گرفته شود، مطمئناً توجه به مجموعه الزامات سیاست‌گذاری داده باز در این حوزه می‌تواند به عنوان گام اصلی و پیش‌آیندی تلقی شود.

هدف جزئی اول پژوهش حاضر شناسایی الزامات سیاست‌گذاری داده باز در نظام آموزش عالی ایران بود. این هدف لازمه رسیدن به هدف اصلی پژوهش بود. با توجه به این که تاکنون پژوهشی با این محوریت (شناسایی الزامات سیاست‌گذاری داده باز در نظام آموزش عالی ایران) صورت نگرفته بود، دستیابی به این مهم نیازمند انجام مصاحبه‌های عمیق و اکتشافی است. حاصل تحلیل محتوای مصاحبه‌های انجام شده جدول ۳ پژوهش است. الزامات مطرح شده در چهار دسته الزامات مدیریتی، فنی-تکنولوژیکی، فرهنگی-اجتماعی و سیاسی-حقوقی طبقه‌بندی شد.

هدف بعدی پژوهش واکاوی نقش الزامات مدیریتی در بهینه‌یابی سیاستی در نظام آموزش عالی ایران بود. همان‌طور که جدول ۶ نشان می‌دهد، الزامات مدیریتی توانایی تبیین ۰/۲۷۳ واریانس و تغییرات متغیر بهینه‌یابی سیاستی (عقلانیت) را دارد که در سطح ۰/۰۱ معنادار است. با توجه به فراوانی گویه‌های الزامات مدیریتی (جدول ۳) که بیشتر مربوط به نظارت بر جمع‌آوری، کیفیت و انتشار داده‌ها و اطلاعات در نظام آموزش عالی ایران در بخش‌های مختلف است. لازم است به منظور ارتقای سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری در حوزه آموزش عالی (که از رهگذر مشارکت عمومی میسر است) توجه بیشتری بر جریان داده‌ها و اطلاعات و انتشار به موقع و به‌جای آن‌ها از جانب مدیران نظام آموزش عالی صورت پذیرد.

واکاوی نقش الزامات فنی-تکنولوژیکی در بهینه‌یابی سیاستی هدف بعدی پژوهش حاضر بود. بنابر جدول ۶ این الزامات قادر است ۰/۱۵۲ واریانس متغیر بهینه‌یابی سیاستی در نظام آموزش عالی ایران را تبیین نماید. همان‌طور که از جدول ۶ برمی‌آید کمترین ضریب بتا مربوط به این الزامات است؛ بنابراین به نظر می‌رسد که توجه به سایر الزامات به منظور ارتقا کیفیت

سیاست‌گذاری در نظام آموزش عالی ایران از اولویت بیشتری برخوردار باشد. همچنان که توجه تک بعدی و صرف به مسایل فنی و تکنولوژیکی، مادامی که اقدامات لازم در سایر ابعاد مانند الزامات مدیریتی، فرهنگی- اجتماعی صورت نگرفته باشد، مغفول ماندن بهینه‌یابی سیاستی را در نظام آموزش عالی ایران به دنبال خواهد داشت.

هدف بعدی پژوهش حاضر اختصاص به واکاوی نقش الزامات فرهنگی- اجتماعی در بهینه‌یابی سیاستی نظام آموزش عالی ایران داشت. به استناد نتایج آزمون رگرسیون (جدول ۶) این الزامات توانسته است ۰/۳۰۴ از واریانس متغیر بهینه‌یابی سیاستی را در نظام آموزش عالی ایران تبیین نماید. بنابر جدول ۶ بالاترین میزان ضریب بتا به این دسته از الزامات مربوط می‌شود. به نظر می‌رسد مانند بسیاری از حوزه‌های دیگر توجه به پیش‌بایست‌ها و الزامات فرهنگی اثر مهمی در زمینه بهینه‌یابی سیاستی در مجموعه آموزش عالی ایران داشته باشد. در این میان مواردی چون مطالبه‌گری عمومی، باور به مؤلفه‌های مردم‌سالاری و اعتقاد به کثرت‌گرایی می‌تواند تا حد زیادی در بهینه‌یابی سیاستی در نظام آموزش عالی ایران موثر باشد. به بیان دیگر این‌گونه استنباط می‌گردد که تا از نظر بعد فرهنگی و اجتماعی الزامات مشخص شده در جدول ۶ تحقق نیابد، رویکرد گزینش سیاست‌های بهینه در حوزه آموزش عالی ایران با نقصان جدی مواجه است.

واکاوی نقش الزامات سیاسی و حقوقی بر بهینه‌یابی سیاستی در نظام آموزش عالی ایران هدف بعدی پژوهش حاضر بود. مراجعه به جدول ۶ و نتایج آزمون رگرسیون نشان از آن دارد که الزامات سیاسی و حقوقی توانسته است ۰/۱۹۷ از واریانس متغیر بهینه‌یابی سیاستی در نظام آموزش عالی ایران را تبیین نماید. در حقیقت با توجه به یافته‌های جدول ۳ توجه به مواردی چون کاهش تمرکز در سیاست‌گذاری در حوزه آموزش عالی ایران و توسعه قوانین مربوط به انتشار داده‌ها و اطلاعات می‌تواند تا اندازه قابل توجهی به ارتقای کیفی سیاست‌گذاری نظام آموزش عالی ایران کمک نماید. به بیان دیگر اگر تمرکز موجود در سیاست‌گذاری آموزش عالی به جای سطح وزارت و فرابخشی در سطح دانشگاهی مورد توجه قرار گیرد، می‌تواند در زمینه بهینه‌یابی سیاستی نقشی اساسی ایفا نماید و دستاوردهایی چون مشارکت اعضای هیأت علمی دانشگاهی در حوزه سیاست‌گذاری نظام دانشگاهی را در پی داشته باشد که این خود اصل مهم سیاست‌گذاری داده باز تلقی می‌شود.

برای پژوهش‌های آتی پیشنهاد می‌شود به صورت موردی سیاست‌های مصوب نظام آموزش عالی ایران در حوزه‌های آموزش، پژوهش، توسعه و... با استفاده از مدل عقلانیت سیاستی مورد نقد و بررسی قرار گیرد تا از این رهگذر میزان انتشار اطلاعات منسجم سیاستی و نقش پژوهش‌گران مستقل و دانشگاهی در بدیل‌یابی سیاستی در آن حوزه‌ها مشخص شود.

۹- پی‌نوشت‌ها

1. Public Policy
2. Futures Studies, Futures Research
3. Foresight
4. Preferable
5. Policy Research
6. Open Government Data Policy Making
7. Good Governance
8. Rationality
9. Uncertainty
10. Bounded Rationality
11. Perfect Rationality
12. Economic Rationality
13. Professional Rationality
14. Political Rationality
15. Legal Rationality
16. Empirical Rationality
17. Normative Rationality
18. Logical Rationality
19. Exploratory
20. Instrument Development
21. Purposeful
22. Snowball Sampling
23. Theatrical Saturation
24. Member Checking
25. Peer debriefing
26. Cronbach's Alpha
27. Kolomogorov-Smirnow Test
28. Pearson Correlation Coefficient
29. Inter Regression

۳۰. استناد این پژوهش برای انتخاب صاحب‌نظر، اعضای هیأت علمی دانشگاه‌های دولتی شهر تهران بوده که دارای تألیفات در زمینه آموزش عالی ایران بودند و یا در رشته‌های مدیریت دولتی و سیاست‌گذاری عمومی عضو هیأت علمی هستند که تعداد آن‌ها ۸۰ نفر گزارش شده است.

31. Delphi Method

۳۲. لازم به بیان است روایی یافته‌های پژوهش یادشده به منظور استفاده در پژوهش حاضر، با توجه به آراء چهار نفر از خبرگان این عرصه مورد تأیید بوده است.

33. Model Fit

۳۴. برای تفسیر ضریب تعیین معمولاً از این مقدار استفاده می‌شود.

35. Unstandardized Coefficients

36. Unstandardized Coefficients

37. Beta

۱۰- منابع

- [1] Dye, T. R. (2016). *Understanding public policy* (15th ed.). New York: Pearson.
- [2] Jebin, L., & Hasan, A. R. (2016). Perfect Rationality in Public Policy Making- Evidence from Bangladesh.
- [3] Anderson, E. J. (2011). *Public policymaking: An introduction* (7th ed.). Boston, MA: Wadsworth Publishing.
- [4] Azar, A., Gholamrezaei, D., Danaei Fard, H., Khodadad Hosseini, H. (2013). Higher Education Policy Analysis in the Fifth Development Plan Using System Dynamics, *Science & Technology Policy Journal*, Vol 5. No 4, pp.1-18.
- [5] Haddad, W. D., & Demsky, T. (1995). *Education Policy-Planning Process: An Applied Framework. Fundamentals of Educational Planning 51*. UNESCO, 7 Place de Fontenoy, 75700, Paris France.
- [6] Farasatkah, M (2014). A Conceptual framework for futurity oriented university planning, *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*, Vol 19, No 3, pp.1-21.
- [7] Conway, M. (2001). The swinburne experience: Integrating foresight and strategic planning. *Scenario and Strategy Planning*, 3(4), pp.12-16.

- [8] Hasan Beigi, A., Forozandeh, L., Danaeefard, H., Pourezzat, A (2017). Designing a Monitoring and Evaluation System for Policies of the Ministry of Science. *Management Researches in Iran*, Vol 21, No 3, pp.49-71.
- [9] SarAbadani, A., Tabatabaeyan, H., Mirmoazi, H., Amiri, M (2017). Improving the Quality of Policymaking in Science and Technology by an Islamic-Iranian Approach: A Qualitative Study. *Modern Researches in Decision Making*, Vol1, No1, pp.167-188.
- [10] Heshmati, A., Kadkhodapoor, J., Maleki, A (2017). Challenges of Interdisciplinary Research and Education in Iran's Higher Education System. National Congress of Iranian Higher Education.
- [11] Abasi, M., Shirehpaz Arani, A (2012). Higher Education Quality Policy Making: Challenges and Prospects. Fifth Congress of Quality Assessment in the Academic System.
- [12] Farasatkah, M., Maniee, R (2015). Effective factors on faculty participation in higher education policy making and university planning. *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*, Vol 20, No 4, pp.29-53.
- [13] Marsh, D., & McConnell, A. (2010). Towards a framework for establishing policy success. *Public administration*, 88(2), pp.564-583.
- [14] Javdani, H (2015). Designing a model of policy research for Iranian higher education system. *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*, Vol 21, No 2, pp.81-1-4.
- [15] Majchrzak, A., & Markus, M. L. (2014). *Methods for policy research: Taking socially responsible action* (Vol. 3). SAGE publications.
- [16] Javdani, H (2014). Policy research: The missing layer of decision and policy making in Iranian higher education. Institute for Research and Training in Management and Planning, Tehran, Iran.
- [17] Amiri Farahabadi, J., Abolghasemi, M., & Ghahramani, M. (2016). Pathology of policy research process in Iranian higher education; A qualitative study. *Journal of*

- Interdisciplinary Studies in the Humanities*, 8(4), pp.139-171.
- [18] Birkland, T. A. (2015). An introduction to the policy process: Theories, concepts, and models of public policy making (4th ed.). New York: Rutledge Publishing.
- [19] Kraft, M. E., & Furlong, S. R. (2012). *Public policy: Politics, analysis, and alternatives*. Sage.
- [20] Taslimi, M., Sanaii, M., Abdolhosseinzadeh, M (2017). identify and Prioritize the Challenges of Achieving the Open Government Data Policy (OGDP). *Journal of Public Policy*, Vol3, No2, pp.57-89.
- [21] Ganapati, S., & Reddick, C. G. (2012). Open e-government in US state governments: Survey evidence from Chief Information Officers. *Government Information Quarterly*, 29(2), pp.115-122.
- [22] Zuiderwijk, A., Janssen, M., Choenni, S., & Meijer, R. (2014). Design principles for improving the process of publishing open data. *Transforming Government: People, Process and Policy*, 8(2), pp.185-204.
- [23] Janssen, K. (2011). The influence of the PSI directive on open government data: An overview of recent developments. *Government Information Quarterly*, 28(4), pp.446-456.
- [24] McDermott, P. (2010). Building open government. *Government Information Quarterly*, 27(4), pp.401-413.
- [25] Napoli, P. M., & Karaganis, J. (2010). On making public policy with publicly available data: The case of US communications policymaking. *Government Information Quarterly*, 27(4), pp.384-391.
- [26] Neuroni, A. C., Riedl, R., & Brugger, J. (2013, January). Swiss Executive Authorities on Open Government Data--Policy Making beyond Transparency and Participation. In *System Sciences (HICSS), 2013 46th Hawaii International Conference on* (pp. 1911-1920). IEEE.
- [27] Meijer, A. J. (2007). Publishing public performance results on the Internet: Do stakeholders use the Internet to hold Dutch public service organizations to account?.



- Government Information Quarterly*, 24(1), pp.165-185.
- [28] Gholipour, R., Gholampour Ahangar, E (2010). Public Policy Making in Iran. Islamic Parliament Research Center of Iran Publication, Tehran.
- [29] Danaeefard, H., Saghafi, E., Moshabaki, A (2011). Public Policy Implementation: Explaining the Role of Rationality in Policy Formulation. *Management Researches in Iran*, Vol 14, No 4, pp.79-106.
- [30] Snellen, I. (2002). Conciliation of rationalities: the essence of public administration. *Administrative Theory & Praxis*, 24(2), 323-346.
- [31] Pal, L. A. (2010). *Beyond policy analysis: Public issue management in turbulent times*. Thomson Nelson.
- [32] Zuiderwijk, A., & Janssen, M. (2014). Open data policies, their implementation and impact: A framework for comparison. *Government Information Quarterly*, 31(1), pp.17-29.
- [33] Algemili, U. A. (2016). Outstanding Challenges in Recent Open Government Data Initiatives. *International Journal of e-Education, e-Business, e-Management and e-Learning*, 6(2), p.91.
- [34] Babei, S., Tavakoli, Gh (2017). Deriving basic rationalities in public policy making process. *Public Policy Making Journal*, Vol 3, No 1, pp.63-82.